

خطبه اول نماز عبادی. سیاسی جمعه ۱۶ مرداد ماه ۱۴۰۵

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا وَنَبِيَّنَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ، وَاللَّعْنَ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ. لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ وَنَفْسِي بِتَقْوَى اللَّهِ.

ابتدا خودم و بعد شما نماز گزاران مؤمن و مؤمنات را دعوت به تقوای الهی می کنم.

عرض تسلیت داشته باشم به مناسبت ایام اسارت آل الله و هجنین رحلت نبی مکرم اسلام، شهادت قره العین النبی، آقا امام مجتبی علیه السلام، و هجنین شهادت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا علیه الصلاة والسلام.

ابتدا به پیشگاه منجی عالم، حضرت بقیة الله الاعظم، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، و هجنین محضر شما برادران و خواهران نماز گزار تسلیت عرض می کنم.

در خطبه اول می خواهم یکی از روش ها و سیره های نبی مکرم اسلام را محضر شما عزیزان عرض کنم.

برگزیدن الگوی شایسته، یک نیاز بشری است.

همه انسان ها به دنبال الگوی شایسته هستند. بر همین مبنا، خداوند متان پیامبران را به عنوان الگو قرار داده است و برترین الگوها، وجودنازنین نبی مکرم اسلام است؛ آنجا که خدای منان در قرآن کریم می فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

سیره پیامبر، روش پیامبر، روش تربیتی پیامبر، روش آموزشی پیامبر، روش حکومتی پیامبر و روش اجتماعی پیامبر، برای همه ما الگوست.

در این فرصت می‌خواهم چند تا از روش‌های تربیتی و آموزشی پیامبر اکرم را محضر شما عزیزان عرض کنم.

امروزه هم طبیعتاً همین‌گونه است. در بحث آموزش، آنچه مهم است، طبیعتاً روش است. هر کار هدفمند، نیازمند یک روش است. در روان‌شناسی آموزشی نیز همین مطلب مطرح است و به آموزگاران تعلیم می‌دهند که باید چند نکته را در بحث آموزشی مورد توجه قرار بدهند؛ از جمله اینکه متناسب با سطح فکر مخاطبین خودشان سخن بگویند.

همین قضیه را قرن‌ها پیش پیامبر بزرگ اسلام به‌کار می‌بردند.

می‌خواهم در این جلسه به چند تا از روش‌های آموزشی پیامبر اشاره کنم که کار بردی هم هست و برای امروز ما، هم برای خانواده‌ها و هم برای جامعه، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پیامبر بزرگ اسلام با چه روشی جامعه دینی را تربیت می‌کرد؟ سبک پیامبر در مسئله آموزش چگونه بود؟

به عنوان نمونه، چند تا از روش‌های آموزشی پیامبر اکرم را محضر شما عرض می‌کنم.

۱. طرح سؤال

یکی از روش‌های آموزشی پیامبر بزرگ اسلام، طرح سؤال بود.

پیامبر اکرم مطلب را با سؤال مطرح می‌کرد. علتش این بود که مخاطب را کجکاو کند و مخاطب آماده پذیرش باشد.

ببینید، اگر یک معلم هم در سر کلاس، آموزگار در سر کلاس، مطلبش را ابتدا با سؤال مطرح بکند، دانش‌آموزان و مخاطبین کجکاو می‌شوند که این سؤال چیست و جواب این سؤال چیست.

پیامبر هم یکی از روش های آموزشی اش این بود که مسئله را با سؤال مطرح می کرد تا در ذهن مخاطب بماند و مخاطب هم کنجکا و بشود که جواب این سؤال چیست.

به عنوان نمونه، یکی دو مثال را خدمت شما عرض می کنم.

در جمعی نشسته بودند. پیامبر بزرگ اسلام برای اینکه مخاطب را کنجکا و کند و مطلب در ذهن مخاطب بنشیند، پیامبر با سؤال مطرح می کرد.

از جمله در جمعی، پیامبر بزرگ اسلام این سؤال را مطرح کرد:

مُفْلِس کیست؟

خب، پیامبر این را به عنوان سؤال مطرح کرده بود. مخاطبین، هر کدام شاید یک جوابی برای سؤال پیامبر اکرم در ذهن داشتند و ارائه دادند.

مفلس کیست؟

بعضی ها جواب دادند: کسی که درهم و دینار ندارد؛ مالی ندارد، پولی ندارد؛ این های شوند آدم مفلس.

یکی گفت: کسی که در تجارت خودش مواجهه با شکست شده و چیزی برایش باقی نمانده، این را می گویند مفلس.

ببینید، وقتی مخاطب کنجکا و شد، آماده پذیرش سخنان نبی مکرم اسلام شد.

پیامبر فرمود:

مفلس در امت من کسی است که در روز جزا در نامه اعمال خودش نماز ندارد، روزه دارد، زکات دارد؛ اما چون ناسزا گفته، چون حق کسی را ضایع کرده، چون کسی را آزار کرده، غیبت کرده، تهمت به جا آورده، از حسنات خودش، از نماز و روزه و زکات خودش هیچ بهره ای نمی برد.

پیامبر با طرح این سؤال می خواست مخاطب را کجکا و کند و بعد مطلب خودش را نبی مکرم اسلام بیان کند.

یا در جای دیگر، نبی مکرم اسلام این سؤال را مطرح کرده بود:

آیا شما را آگاه نکنم؟ شما را به سلاحی خبری بدهم که دشمنان را براندازد و روزی شما را افزایش دهد؟

خب، همه گفتند: بله یا رسول الله.

پیامبر با سؤال مطرح کرد تا مخاطبین هم توجه کنند و هم کجکا و شوند.

بعد پیامبر اکرم فرمود:

«تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ»

شب و روز خدایتان را بخوانید؛ چرا که صلاح مؤمن، دعا است.

پس یکی از روش های آموزشی پیامبر بزرگ اسلام، طرح سؤال بود.

۲. برانگیختن حس کجکاوی

یکی دیگر از روش های نبی مکرم اسلام، برانگیختن حس کجکاوی بود.

پیامبر بزرگ اسلام جهت تعلیم و تربیت از این روش فراوان استفاده می کرد تا حاضران را کجکا و کند و تلاش فکری بیشتری داشته باشند.

در یک جمعی، پیامبر بزرگ اسلام فرمود:

«برادر خود را یاری کنید؛ چه ظالم باشد و چه مظلوم».

بعضی وقت‌ها پیامبر یک جمله را مبهم بیان می‌کرد؛ نصفش را می‌گفت و نصف دیگرش را نمی‌گفت تا مخاطب کجکاوی بشود و ببیند این فرمایش پیامبر چیست.

لذا در جمعی فرمود:

برادران را یاری کنید؛ چه مظلوم باشد و چه ظالم.

خب، این سؤال مطرح می‌شد که مراد نبی مکرم اسلام چیست؟

شخصی عرض کرد:

یا رسول الله! درست است، مظلوم را یاری کردن درست است. ما هم مظلوم را یاری می‌کنیم؛ اما ظالم را چگونه می‌شود یاری کرد؟

پیامبر با این سؤال می‌خواست مخاطبین را به فکر فروبرد، کجکاوی بشوند و بعد فرمود:

بله، مظلوم را یاری کنید؛ همه می‌دانید چگونه می‌شود مظلوم را یاری کرد، اما سؤال این بود که پیامبر فرمود ظالم را هم یاری کنید.

برادر مظلوم و ظالم را یاری کنید.

پیامبر فرمود: مراد از اینکه ظالم را یاری کنید، یعنی او را از ستم بازدارید.

کاری انجام بدهید، عملی انجام بدهید که آن برادر مؤمن و آن مسلمان، دیگر ستم نکند.

مبهم بیان می‌کرد تا مخاطب کجکاوی بشود.

۳. تکرار

یکی دیگر از شیوه‌های تربیتی پیامبر اکرم، تکرار بود.

پیامبر تکراری کرد. گاهی تکرار به خاطر اهمیت مطلب است؛ چون مطلب خیلی مهم است، پیامبر آن را تکرار می کرد تا در جان مخاطب بنشیند.

بارها بیان می کرد.

به عنوان مثال، شخصی آمد خدمت نبی مکرم اسلام و عرض کرد:

آقا جان! بهترین عمل چیست؟ بهترین عمل چیست که آن عمل را ما انجام بدهیم؟

پیامبر اکرم فرمود:

نماز. بعد سائل دوباره سؤال کرد:

یا رسول الله، بعد از این چی؟

پیامبر اکرم فرمود:

نماز. باز سؤال کرد:

بعد از این چه انجام بدهیم؟

باز هم پیامبر اکرم فرمود:

نماز. بعضی وقت ها تکرار به خاطر اهمیت مطلب است.

می خواهد بگوید این مطلب خیلی مهم است، این مطلب خیلی اساسی است.

در بعضی از جاهای فرمود:

عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ، عَلَيْكُمْ بِالصَّلَاةِ»

تکراری کرد و بعدی فرمود:

«فَإِنَّهَا عُمُودُ دِينِكُمْ»

نماز ستون دین شماست.

پس بعضی وقت‌هایی که از روش‌های آموزشی پیامبر بزرگ اسلام، تکرار بود. مطلب را تکراری کرد؛ یک جهتش به خاطر اهمیت موضوع بود.

از بعضی جهات شاید این باشد که همه مخاطبین در یک سطح نیستند؛ از نظر هوش، از نظر گیرایی مطالب و از نظر میزان دریافت و فهم.

لذا پیامبر گاهی مطلب را تکراری کرد تا همه بهره‌برند و همه استفاده کنند.

پس یکی از روش‌های مهم در تکرار نبی مکرم اسلام در روش آموزشی، به خاطر اهمیت مطلب بود؛ چون مطلب مهم بود، پیامبر بزرگ اسلام آن را تکراری کرد.

۴. شکار فرصت‌ها

یکی دیگر از شیوه‌های نبی مکرم اسلام و شیوه آموزشی پیامبر بزرگ اسلام، شکار فرصت‌ها بود.

پیامبر از فرصت‌ها زیاده استفاده می‌کرد برای تربیت امت خودش.

شاید یک چیز بسیار ساده بود، اما پیامبر اکرم از همان چیز ساده برای تربیت امت خودش بهره‌می‌برد و استفاده می‌کرد.

لذا می‌گویند یک روزی پیامبر داشت می‌آمد، دید یک گروهی دوروبر یک نفر جمع هستند و دارند او را نظاره می‌کنند و تماشا می‌کنند.

پیامبر نزدیک تر رفت و دید مثلاً آن شخص دارد سنگی را بلند می‌کند و زور آزمایی می‌کند.

خب، پیامبر از این فرصت می‌خواست بهره‌برداری نکته تربیتی را بیان کند.

در خانواده هم همین است. گاهی فرصت‌هایی پیش می‌آید؛ از آن بزنگاه، از آن فرصت‌ها باید انسان بهره‌برداری نکته تربیتی را به خانواده بگوید.

در همه جا این مسئله کاربرد دارد.

بعد پیامبر اکرم فرمود:

می‌خواهید به شما بگویم نیرومندترین آدم‌ها چه کسانی هستند؟

پیامبر از این فرصتی که جمعی جمع شده بودند و ناظر کسی بودند که داشت سنگی را بلند می‌کرد، استفاده کرد و گفت:

می‌خواهید به شما بگویم نیرومندترین آدم‌ها چه کسانی هستند؟

طبیعتاً اصحاب پیامبر و اطرافیان پیامبر منتظر شنیدن کلمات ناب پیامبر بودند تا در جانشان اثر بکنند و بتوانند آن تربیت و رشد واقعی را داشته باشند.

گفتند:

بله، یا رسول‌الله، دوست داریم شما بفرمایید نیرومندترین مرد کیست؟

پیامبر فرمود:

نیرومندترین انسان کسی است که وقتی او را دشنام دادند، شکیباشد؛ وقتی به او فحش دادند و اهانتش کردند، صبر و شکیبایی داشته باشد و بر نفس خودش مسلط باشد.

کسی که بر نفس خودش غالب باشد، چنین شخصی نیرومندترین آدم است.

امثال این مطالب فراوان داریم و همچنین شاید روش‌های آموزشی پیامبر بیش از ده روش باشد.

این سه، چهار روش را در خطبه اول به صورت خلاصه عرض کردیم و بیش از این مصدع اوقات شما عزیزان نمی شوم.

چند دعا می کنم.

خداوندان شاء الله عاقبت امر همه ما را ختم به خیر بفرماید.

ان شاء الله پروردگار، اسلام و مسلمین را نصرت و عزت مرحمت بفرماید.

پروردگارا، رهبر عزیزمان را در پناه خودت محافظت بفرما.

شر دشمنان را به خودشان برگردان.

خطبه دوم نماز عبادی. سیاسی جمعه ۱۶ مرداد ماه ۱۴۰۵

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، بَارِئِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، خَالِقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ.

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى بَشِيرِ النَّذِيرِ وَسِرَاجِ الْمُنِيرِ، أَبِي الْقَاسِمِ مُصْطَفَى مُحَمَّدٍ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَصَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ.

وَصَلِّ عَلَى الْإِمَامَيْنِ الْهُدَى، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ.

وَصَلِّ عَلَى أئِمَّةِ السُّلَمِيِّينَ: عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْخَلْفِ الْمُنْتَظَرِ، الْقَائِمِ، عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ.

أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَفْسِي.

خودم و شما عزیزان را در خطبه دوم نیز دعوت به تقوای الهی می‌کنم.

اربعین؛ جلوه اقتدار و ماندگاری مکتب عاشورا

خب، اربعینی که گذشت، ابتدا تسلیت عرض می‌کنم.

اربعینی که گذشت، اربعین حضرت آقا اباعبدالله الحسین علیه السلام؛ اربعینی که نشانه اقتدار شیعه بود و هست.

اربعینی که حقیقتاً غایت و نتیجه کربلاست؛ اربعین حضرت آقا اباعبدالله علیه السلام.

شما ببینید دشمن با خیال ناپخته و خام خودش تصورش این بود که با شهادت حضرت اباعبدالله علیه السلام، امام حسین علیه السلام تمام می شود؛ اما با شهادت امام حسین علیه السلام، امام حسین باقی ماند و باقی خواهد ماند.

«إِنَّ لِلْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَنْ تَبْرُدَ أَبَدًا».

امام حسین فراموش ناشدنی است.

اما اربعین امام حسین، طبل رسوایی را برای دشمنان مارقم زد؛ آل امیه را برای همیشه تاریخ رسوا کرد.

در زمان ما هم این چنین بود.

دشمن با تصور غلط خودش که با شهادت امام شهیدمان، قاعد اعظم مان، باورش این بود که با شهادت فرمانده کل قوا همه چیز تمام می شود.

مگر کربلا با شهادت اباعبدالله تمام شد؟

کربلا با شهادت اباعبدالله شروع شد.

با شهادت اباعبدالله، آل امیه برای همیشه تاریخ نابود شدند.

ان شاء الله با شهادت امام شهیدمان هم نابودی اسرائیل و آمریکا، ان شاء الله رقم خواهد خورد.

غربت امام مجتبی علیه السلام و درس اطاعت از امام

اما بیست و هشتم صفر مصادف است با شهادت عین نبی، حضرت آقا امام مجتبی علیه السلام.

امامی که حقیقتاً امام غربی است.

الان امامی که زائر ندارد؛ امام مجتبی امام غربی است.

هم زمان حیاتش غریب بود؛ حتی در بین دوستان، حتی در بین شیعیان.

در بین شیعیان، آنچه که اتفاق افتاد طبیعتاً این بود که مردم آن عصر به مطالبات امام مجتبی علیه السلام پاسخ مثبت ندادند.

اگر مردم آن عصر به مطالبات امام مجتبی پاسخ مثبت می دادند، آن اتفاقی که نباید می افتاد، نمی افتاد.

شما ببینید همین قضیه نسبت به آقامون امیر المؤمنین علی علیه السلام.

عدم فرمانبری امت آن زمان از مولایمان امیر المؤمنین علی علیه السلام موجب آن شد که ۲۵ سال جهان اسلام از وجودی چون آقا امیر المؤمنین علی علیه السلام محروم بماند و نتوانند از وجود امیر المؤمنین استفاده کنند.

باید احکام دینشان را از دیگران. که اسمشان را هم نمی برم. می گرفتند؛ باید احکام نورانی دین را از غیر امیر المؤمنین علی علیه السلام دریافت می کردند.

چرا در عهد امام مجتبی، در عهد آقامون حضرت اباعبدالله علیه السلام، مسلمانان به سراغ غیر امام مجتبی و غیر اباعبدالله رفتند؟

جهتش این بود که امت آن زمان، مردمان آن زمان، به مطالبات ائمه ما جواب مثبت ندادند.

به مطالبات امام مجتبی علیه الصلاة والسلام جواب مثبت ندادند.

همین قضیه موجب شد آن صلح با آن شرایط خاص برای وجود مقدس آقامون امام مجتبی علیه الصلاة والسلام پیش بیاید.

شما ببینید وقتی امام صلح را می پذیرد، عجیب است؛ جدّاً نسبت به مسلمانان آن زمان خیلی تفاوت وجود دارد.

امت مبعوث شده مان با امت زمان امام مجتبی، زمان امیر المؤمنین و زمان آقامون امام حسین علیه الصلاة والسلام، فاصله خیلی زیادی دارد.

وقتی امام مجتبی با آن شرایطی که بیان کردم، صلح را پذیرفت، معاویه لعنة الله علیه صلح نامه را می گیرد، بالای منبر می رود، معذرت می خواهم، عربی می کشد و فریادی زند:

من به هیچ یک از این بندهایی که امام مجتبی علیه السلام بیان کرده، پایبند نیستم؛
صلح نامه را پاره می کند.

یک مسلمان آنجا اعتراض نکرد؛ دم نزد، سخن نگفت، کاری نکرد، عملی انجام نداد.
آمریکا؛ تکرار تفکر آل امیه

امروز هم بلاشک، برادران عزیز، سروران عزیز، همان تفکر آل امیه در وجود سگ زرد آمریکایی وجود دارد.
پایبند به هیچ چیزی آمریکاییست؛ پایبند به هیچ یک از مسائل نیست.
اما بایک تفاوت.

تفاوتش این است که امروز، الحمد لله، الحمد لله، ایران متحد و قوی است.
امت مبعوث شده و نیروهای جان برکف، هرگز اجازه نمی دهند تاریخ دوباره تکرار بشود.
این را طبیعتاً همه ما می دانیم.

شاید قبل از این هم در بحث تفاهم نامه، در بحث مذاکره، همین مسئله مطرح بود که مسئله «برد. برد» طبیعتاً مطرح می شد.

همه تان می دانید، همه مان می دانیم که آمریکا در مذاکره به برد. برد اعتقاد ندارد.
قطعا آمریکا اعتقاد ندارد.

اگر می بینید پای میز مذاکره می آید، آمریکا به خاطر این است که در میدان به هدف خودش نرسیده است.

در میدان، هدف آمریکا این بود که ایران را تجزیه کند.

در میدان، هدفش این بود که نظام را تغییر بدهد؛ نظام امام زمانی را تغییر بدهد.

وقتی دشمن به هدف خودش نرسیده و در میدان شکست خورده، با اینکه آمریکا مدعی ابر قدرتی است، این خودش نکته مهمی است.

برادران عزیز!

حضرت آیت الله علامه جوادی آملی، حفظه الله تعالی علیه، جمله ای دارند. فرمودند:

معجزه این نیست که تنها سنگ به سخن دربیاید؛ معجزه این است که ملت بزرگ ایران در مقابل دو قدرتی که مدعی بودند، دو قدرت بزرگ و دو قدرت اتمی دنیا، ایستاده و دشمن را هم به نوعی تسلیم کرده و در میدان شکست داده است.

دشمن ما به برد برد اعتقاد ندارد.

شما ببینید همین این روزها، ترامپ و تنایا هوادعای وجود اختلاف در ایران می کنند.

می گویند با هم مشکل دارند.

به خاطر این است که می خواهند مقاومت ملت ما و انسجام و وحدت ملی ملت ما را تضعیف کنند.

ان شاء الله این را هم به لطف پروردگار به گور خواهند برد.

شهادت امام رضا علیه السلام

آخر صفر هم مصادف است با شهادت ثامن الحجج، علی بن موسی الرضا علیه الصلاة والسلام.

پیشاپیش شهادت امام رضا جانمان را هم به شما تسلیت می گویم.

امامی خواهیم یک جمله از امام رضا علیه السلام عرض کنم و این جمع را دعوت کنم.

الحمد لله رب العالمین، آن ویژگی ای که حضرت امام رضا علیه السلام می فرمایند، ان شاء الله در وجود تک تک شما نمازگزاران، برادران و خواهران هست.

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

«الْإِيمَانُ أَرْبَعَةٌ أَزْكَانٍ»

ایمان چهار رکن دارد:

یک رکش «التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ» است؛ توکل بر خداست که الحمد لله مؤمنین و مؤمنات ما توکل بر خدا دارند.

وَالرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ؛ رضایت به قضای الهی، که این هم در وجود تک تک شما وجود دارد.

وَالْتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ؛ تسلیم امر پروردگار بودن، الحمد لله.

وَالْتَّقْوِيضُ إِلَى اللَّهِ؛ اینکه کارها را به پروردگار مان واگذار کنیم، الحمد لله.

این صفاتی که برای مؤمنین، امام رضا علیه السلام می فرمایند، الحمد لله در وجود تک تک شما عزیزان هست.

یاد و خاطره خادم الرضا و خادم زائران اباعبدالله

در خاتمه هم من یک جمله ای را عرض کنم.

خبر درگذشت خادم الرضا، که هم خادم الرضا بود، هم زائر کربلای اباعبدالله بود و هم خادم زائران امام حسین علیه السلام؛ مرحوم حاج محمود بانویی، معروف به حاج کلموی بانویی.

خداوندان شاء الله این عزیز را هم رحمت کند.

خداوند به دوستان و خادم یاران. که امروز در جمع مانیدند. صبر عنایت کند.

چند تا دعای کنم.

از همه شما التماس دعا دارم.

پروردگارا، نظام ما را به نظام جهانی امام زمان متصل بفرما.

الهی آمین.

رهبرمان را در پناه امام زمان محافظت بفرما.

دشمنانمان را ذلیل و خوار بگردان.

نصرت به رزمندگانمان مرحمت بفرما.